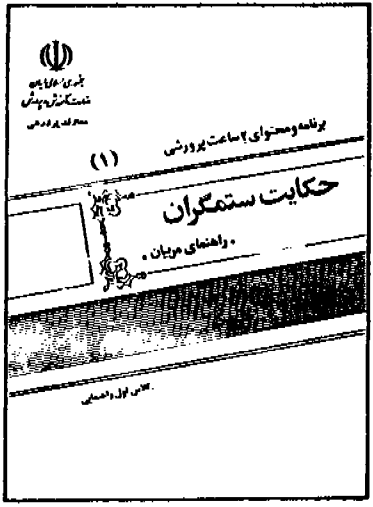


# حکایت ستمگران



- شناخت تعدادی از حق خواهان و ستم ستیزان در طول تاریخ و حال  
 - آشنایی با پاره‌ای از ویژگی‌های ستمگران و ستم ستیزان  
 - شناخت اسلام به عنوان مکتبی که مبارزه با ستم را تشویق کرده است.  
 ب: دانش آموز نسبت به موارد ذیل علاقه، نمایل، کشش و حساسیت داشته باشد. (حیطه عاطفی):

۱۶- آشنایی با تاریخ ادیان از خلال طرح نامهایی چون ابراهیم - نمرود - موسی - فرعون - محمد (ص) - ابوسفیان - حسین (ع) - یزید - هابیل - قابیل و... امکان مناسبی در اختیار مربی قرار می‌گیرد که به شرح و توصیف قصص مربوطه بپردازد و بعضاً به آیات یا حکایات قرآنی استناد جوید.

- همواره با ظالم دشمنی و عداوت داشته باشد.  
 - هرگز ستم نکند.

- احترام به ستم ستیزان و بزرگداشت آنان  
 - حمایت از مظلوم  
 - علاقه به دین اسلام به علت ایجاد روحیه مبارزه با ستم  
 - نفرت نسبت به ستمگران  
 - دوری جستن از ستمگری نسبت به دیگران  
 ج: دانش آموز در انجام موارد ذیل کوشا و فعال باشد. (حیطه روان - حرکتی):  
 - از مظلومین حمایت کند.  
 - از عادل و ستم ستیز تبعیت و حرف شنوی داشته باشد.

۱۷- علاقه مند شدن به همکاری با انقلاب  
 برنامه «اصلاح و تکمیل» با طرح جملاتی عاطفی و ادبی، دانش آموزان را به همکاری، کمک و یاری انقلاب اسلامی فرا می‌خواند.

زمینه‌های سابق الذکر، عبارت از اهدافی هستند که از رهگذر اجرای کتاب «حکایت ستمگران» برای دانش آموزان حاصل می‌شود. این نکات که برآورنده بخش عظیمی از اهداف اعتقادی اموز تربیتی است، فقط یک جنبه از اهداف کتاب را تشکیل می‌دهد و باید گفت علی‌رغم اینکه کتاب نام «حکایت ستمگران» را بر خود حمل می‌کند، همه هدفها حول محور مسأله ستم ستیزی نمی‌گردد بلکه با اتخاذ روش غیر مستقیم در القاء موارد یاد شده، اهداف بعضاً اساسی تر و عمده تری را وجهه همت خود قرار داده است که در آینده بدانها خواهیم پرداخت.

۱۸- بدبینی نسبت به ستم و ستمگر و علاقه مندی نسبت به عدالت و ستم ستیز

شاید اصلی ترین و اساسی ترین نکته‌ای که جامع همه مطالب دیگر نیز قلمداد می‌شود، همین باشد. این کتاب بیش از آنچه که بخواهد به شرح و توصیف ستم و ستمگران و... بپردازد، در پی ایجاد گرایش مثبت نسبت به ستم ستیزان و گرایش منفی نسبت به ستمگران است. ولی در مجموع اگر بخواهیم اهداف ویژه جزئی را که در این راستا دنبال می‌شود، ذکر کنیم باید گفت:



الف: دانش آموز نسبت به موارد ذیل آگاهی و شناخت بدست می‌آورد. (حیطه شناختی):  
 - آشنایی با مفهوم ستم  
 - شناخت تعدادی از ستمگران در تاریخ گذشته و حال

### پی نوشتها:

- ۱- برنامه ریزی درسی مدارس. الف لوی، ترجمه فرید مسایخ. ص ۱۷
- ۲- تعلیم و تربیت و مراحل آن. غلامحسین شکوهی. ص ۳۴
- ۳- ر.ک. برنامه ریزی درسی. علی شریعمداری. ص ۷ تا ۱۶
- ۴- کار شورای تدوین برنامه و محتوای ۲ ساعت پرورشی (مدیریت تحقیقات و آموزش اموز تربیتی)



تهیه و تنظیم: قاسم کریمی

### اهداف هنری

به دنبال بحثهای گذشته در باب ارزیابی علمی محتوی و روشهای کتاب حکایت ستمگران که تطابق این کتاب با ویژگیهای سنی دانش آموزان کلاس اول راهتمایی و نیز اهداف اعتقادی آن مورد بررسی قرار گرفت. اینک به کندوکاوی در هدفهای هنری کتاب می پردازیم. امورتربیتی با تفسیری از نقش تربیتی هنر و کمکهایی که این رشته در جهت اعتلای

فکری، عقیدتی و روانی دانش آموزان به مربی می کند، از آن به عنوان یک ابزار پرتوان و سازنده استفاده کرده و در عین حال، کشف و شکوفایی و رشد استعداد هنری دانش آموزان را نیز وجهه همت خود قرار داده است. نکات یاد شده، اصلی ترین مسایلی هستند که در این بحث مطرح می شوند. بدون اینکه بخواهیم هنر را از دیدگاه

علمی و تخصصی آن تعریف کنیم، باید متذکر شویم که هنر کمکهای شایان توجهی در رابطه با مسایل تربیتی در اختیار مربیان و متولیان تعلیم و تربیت قرار می دهد. بنابراین لازم است هنر را از دریچه تربیت نگریسته، آن را با این نگاه تعریف و تبیین نمود. از آنجا که شیوه ها و قالبهای کار کتاب «حکایت ستمگران» دانش آموزان را بطور مستمر با فعالیتهای هنری درگیر می سازد، پرداختن به این مسایل ضروری است که: چرا از هنر تا این حد استفاده شده است؟ اهداف هنری امورتربیتی کدامند؟ آیا واقعاً روشها و محتوای این کتاب می تواند اهداف هنری امورتربیتی را برآورد؟

□ کلاس پرورشی میدانی باز می کند برای دانش آموزانی که آمادگی فعالیت هنری دارند.

## هنر و تربیت

هنر در نگاه مریان بزرگ تعلیم و تربیت همواره به عنوان یکی از بهترین راهها برای رشد قوای روحی و تربیت نفوس و انتقال مفاهیم اخلاقی، اعتقادی و سیاسی مطرح بوده است. پدیدآورندگان «برنامه و محتوای کلاس پرورشی» نیز با تبیین و تفسیری از هنر و نقش سازنده آن در تربیت، نکات زیر را به عنوان زیرساختهای هنری برنامه ریزی خود قلمداد نموده اند:

۱ - هنر زمینه است برای پرورش قدرت ابتکار و خلاقیت دانش آموز.

۲ - پاره ای از رشته های هنری زمینه ای برای پرورش حس همکاری، همفکری و اساساً ایجاد رشد اجتماعی هستند. روش تعلیم و تربیت کسانی چون «دکرولی» مبتنی بر چنین دریافتی از هنر بوده است.

۳ - پاره ای از رشته های هنری مانند نقاشی و گرافیک، میدانی برای انعکاس دنیای پنهان تخیلات دانش آموز هستند. کودکان از طریق فکر کردن نقاشی می کنند نه از طریق مشاهده مستقیم و آنچه پروری کاغذ ترسیم می گردد، مطابق واقعیت خارجی آن چیز نیست بلکه مطابق آن چیزی است که کودک فهمیده و استنباط نموده. دریافتن چنین اندیشه ها یا برداشتهای پنهان برای هر مربی امری لازم است و هنر، این کمک را ارزانی مربی می کند.

۴ - نقاشی و طراحی آزاد دانش آموزان وسیله ای برای شناخت مراحل رشد ذهنی و عاطفی آنهاست. به همین جهت تسنهای

□ زیبایی دوستی از  
اساسی ترین ویژگیهای انسانها  
است که باید تحت تقویت و  
تربیت قرار گیرد.

یک رشته خاص است و باید مورد تقویت و شکوفایی قرار گیرد.

۷ - کار هنری منجر به خلق یک اثر می شود. آنچه با دست پدید می آید، احساس رضایت و خرسندی را به وجود می آورد به همین جهت فعالیتهای هنری با لذت، رضامندی و شادمانی توأم است.

۸ - زیبایی دوستی از اساسی ترین ویژگیهای انسان است که باید تحت تقویت و مراقبت قرار گیرد پرورش هنری در واقع همین پرورش ذوق و تقویت حس زیبایی دوستی است و عبارت از برانگیختن دانش آموز به سوی علاقه به زیبایی هایی است که او را احاطه کرده اند. طبیعت تابلوهای نقاشی، شعر، موسیقی، ادبیات، آواز و... زیبایی هایی هستند که در خدمت این اصل قرار می گیرند. برای همین است که باید همه شاگردان را تحت تعلیم و تربیتی درباره خوب نگاه کردن و ارزش نهادن به آثار هنری قرارداد. بازدید از آثار نقاشان بزرگ، دیدار از موزه ها، تابلوهای دیواری در مدرسه، سخنرانی درباره محاسن هنر، دیدار از گالریهای هنری و... زمینه هایی هستند که دستیابی به هدف را سهل می کنند.

۹ - پرداختن به کارهای هنری، قرار گرفتن در «کار و فعالیت» است و کار، سازنده روح و شخصیت و ایجاد کننده اعتماد به نفس و اتکاء به خود می باشد.

۱۰ - هنر و کار هنری ناراحتی های فکری و عاطفی را زایل ساخته از هیجانان

ویژه ای (مثلاً تست آدمک) بر همین اساس برای بررسی و شناخت ویژگیهای عاطفی و شناختی کودک طراحی شده است. بعلاوه از نقاشی به عنوان بهترین نوع بیان احساسات و دریافتهای درونی تعبیر می شود. نقاشی آنچنان قادر است جوانب فکری کودک را بر روی کاغذ منعکس کند که نه زبان او قادر به چنین کاری است و نه نویسندگی و نگارش او.

۵ - بخش عمده ای از فعالیتهای هنری موجب افزایش هماهنگی حواس و حرکت (مهارت حسی و حرکتی) می شوند. مریانی چون «مونه سوری» با به کارگیری این شیوه، اساساً رشد جسمی و روانی کودک را بر اساس مهارتهای او مورد ارزیابی قرار می دادند.

۶ - سننین نوجوانی، دوره بروز «استعدادهای خاص» است. یعنی در این دوره است که توانایی های یک فرد در زمینه ای مشخص می گردد. به همین جهت ممکن است شاهد دانش آموزانی باشیم که در رشته های هنری بسیار لایق و فعال هستند ولی در زمینه های دیگر ضعیف هستند. این حالت حکایت از هوش و توانایی افراد در

□ باید همه شاگردان را  
تحت تعلیم و تربیتی درباره  
خوب نگاه کردن و ارزش نهادن  
به آثار هنری قرارداد.

□ هنر آدمی را ظرف الطبع  
و مسئول بار می آورد و قدرت  
ابداع و تخیل وی را نیز رشد  
می دهد.

فرد می‌کاهد و برای او آرامش و  
اطمینان خاطر می آورد.

۱۱ - هنر، آدمی را ظرف الطبع و  
مسئول بار آورده، دنیای ذهنی را هنری  
می سازد و در رشد و نمو تخیلات و  
احساسات، وی را یاری می دهد.

۱۲ - فعالیت هنری موجب پدید آمدن  
تنوع و تفریح در مدرسه می گردد.

حال، با چنین دریافتی از هنر، باید  
به بررسی رابطه هنر با کلاس پرورشی  
پرداخت.

### هنر و کلاس پرورشی

هنر در کلاس پرورشی همچون بستری  
است که اغلب برنامه های کلاس از درون  
آن می گذرد، این آمیختگی آنچنان قوی  
است که برخی گمان می برند کلاس  
پرورشی همان کلاس نشانه است. نکات  
زیر، نقش و موقعیت هنر را در این کلاس  
روشن می کند:

۱ - کلاس پرورشی داعیه آموزش هنری  
ندارد و از آن فقط به عنوان یک ابزار تربیت  
استفاده می کند. شاید هم نتوان آن را  
« کاری هنری » نامید زیرا پیش از آنکه رشد  
هنر و... در این کلاس منظور نظر باشد، یک  
حرکت تربیتی در این کلاس جریان دارد.  
لذا باید به طور جدی میان « کاری برای  
هنر » و « هنر برای تربیت » تفاوت قائل شد.  
۲ - کلاس پرورشی میدانی بازی می کند  
برای دانش آموزانی که آمادگی فعالیت  
هنری دارند. فرض بر این است که



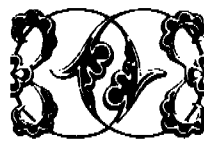
و در اینجا فقط توانایی ها، آموخته ها و  
استعدادهای خود را عرضه کنند.

۳ - چندان لازم نیست که مربی این  
کلاس فردی هنرمند باشد و یا در یکی از  
رشته ها تبحر داشته باشد. البته این نکته با  
اهل فطرت بودن و برخورداری از شناخت  
اجتماعی نسبت به مسایل هنری منافاتی  
ندارد. مربی اگر بتواند توانایی مدیریت  
امور هنری داشته باشد، کلاس خود را به  
گونه ای موفق اجرا خواهد کرد.

در فیهالہ این بحث به تطبیق محتوای  
کتاب با اهداف هنری آموزرینی خواهیم  
پرداخت.

دانش آموزان مسایلی را در ارتباط با هنر در  
فرصتهای خارج از این کلاس آموخته اند و  
اینک این کلاس راهی می گشاید، امکان  
اظهار وجود می دهد و تحت راهنمایی های  
مربی پاره ای وسایل و امکانات مادی و  
فکری در اختیار می گذارد. و البته  
دانش آموزانی که دارای آمادگی بیشتری  
برای پرداختن به یک رشته هنری دارند باید  
از امکانات خارج از این حوزه استفاده کنند

□ هنر زمینه ای است برای  
پرورش قدرت ابتکار و خلاقیت  
دانش آموز.



(بقیه از صفحه ۴)

را پذیرفته و قبول نموده‌ای؟ در جواب گفت: شاهد باشید [گرچه این سخن سبب قتل من است اما] من به پروردگارم ایمان آوردم و از پیامبران تبعیت کردم. وقتی این جمله را گفت به او حمله کردند به حدی که امام معصوم می فرماید: بدن این مؤمن را زیر پا له کردند و قطعه قطعه نمودند اما قرآن ادامه می دهد: آن مرد صالح گفت: کاش قوم من می فهمیدند که پروردگارم مرا مورد رحمت و آمرزش قرار داده است.

در روایت آمده است: «لیس بینکم و بین ما توعدون الا الموت». میان شما و آنچه به شما وعده شده است (بهشت و جهنم) جز مرگ فاصله‌ای نیست. «فوالله انهم عائق الحور العين ولما یحرف نداوة کفهم». مؤمنان به درجات عالی رسیده و با زوجات بهشتی مشغول صحبت شده‌اند و حال آنکه هنوز رطوبت کفشان خشک نشده است. خداوند سریع الوفاست. خداوند شکور است. شما در اعمال و کردار خویش کوشش کنید.

عالم اهل یقین امر به معروف و ناهی از منکر است. عالم، تنها امر به معروف نیست عامل به معروف است و فقط ناهی از منکر نیست، تارک منکر است. یعنی در معروف اکتفا به امر کافی نیست عمل لازم است و در منکر نهی کفایت نمی کند ترک شرط است. نکند خدای نا کرده مصداق کسانی باشید که لساناً به «امر به معروف» و «نهی از منکر» می پردازند اما در مرحله عمل گرفتارند و تهیدست؟ «الأمرون بالمعروف قولا لاعملا و الناهون عن المنکر قولا

لاعملا».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در هزار و چهارصد سال پیش جمله‌ای را بیان کرده است که تحمل آن سخت دشوار و طاقت فرسات! من چگونه این جمله را نقل کنم و حال آنکه بدن آدمی می لرزد از اینکه آن را بشنود؟ «لمن الله الامرین بالمعروف التارکین له و الناهون عن المنکر العالمین به». نفرین بر آنان که امر به معروف می کنند اما خود تارک آن هستند و نهی از منکر می نمایند اما خود بدان عمل می کنند. هر گناه و ردیلتی و یا هر نواب و فضیلتی که درین ملتای رایج شود همانند سنگی است که در سطح وسیعی از آب بیفتد. این سنگ موج کوچکی با شعاع کوتاهی ایجاد می کند، آنگاه گسترده تر می شود و پس از لحظاتی به کرانه‌های آن سطح وسیع آب می رسد هر گناه انسان در عالم وجود یک اثر زشتی بر جای می گذارد که تا نسلها و قرنها استمرار می یابد. و هر عمل خیر انسان اثر مفیدی بر لوح نسلهای متادای می گذارد که باقی می ماند و از بین نمی رود.

کوشا باشید قرآن را به دست گیرید تا با آن به مسیر مستقیم الهی هدایت شوید همچنان که امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: خذوا هذا القرآن وانزلوه فی احسن منازل و احسن منازل القرآن فلیکم ان الله حبیب الیکم الایمان و زینة فی قلوبکم». (معارف) قرآن را بگیریید و آن را در بهترین منازل جای دهید و بهترین منازل قرآن قلوب شماست. خداوند شما را دوستدار ایمان قرار داده و آن را زینت قلوب شما گردانیده است.

بندگان مؤمن خداوند با خواندن قرآن متقلب و دگرگون می شوند و قرآن سخن خداست با بندگان خویش. هرگاه می خواهیم پرورگارمان ما را سخن بگوید قرآن تلاوت کنیم و هر وقت می خواهیم ما را او تکلم نماییم نماز بخوانیم. قرآن کلام الله است و ما مخاطبان «یا ایها الذین امنوا» هستیم.

یکی از عرفای بزرگ می فرمود: به خدایی خداوند سوگند که لذت خطابات قرآن تا لحظه مرگ از روح و روان من بیرون نمی رود.

در مورد امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است: «وکان اذا بلغ کلمة مالک یوم الدین یقول مالک یوم الدین، مالک یوم الدین... حتی کاد ان ینقطع نفسه». هنگامی که حضرت در سوره حمد نمازهای خویش به آیه «مالک یوم الدین» می رسید آن قدر این آیه را تکرار می کرد که نزدیک بود روح از بدنش مفارقت نماید.

ای عزیز! وقتی می گویی «الله الصمد» توجه داشته باش که سراپا نیازی به درگاه بی نیازی رفته است. نگاه کن ببین چه هستی و دامنه نیازمندی تو چقدر است؟ بدن ما، عقل و روح ما، و تفکر و کمال و سایر ابعاد وجودی ما همه و همه نیازمند است. «انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید» شما همه به خدا نیازمندید و اوست بی نیاز و ستوده. نماز حقیقی توجه لازم دارد، ما که حلاوت این نمازها را نجشیده ایم اما آنکه در نماز خود را درک کند و به حقارت خود پی ببرد و در مقابل به عظمت خالق خود پی ببرد می فهمد که علی علیه السلام در آن نیمه‌های شب با پروردگار خود چه می گفته است؟! «الهی، مولای مولای، انت الغنی و انا الفقیر و هل یرحم الفقیر الا الغنی؟!»، پروردگار من؛ سید و سالار من؛ تویی نیازی و من فقیر و نیازمند. آیا جز غنی کسی می تواند بر فقیر رحم نماید؟

دعا کنیم که مورد رحمت و لطف خداوند تعالی قرار گیریم و از خوان بی انتهای او بهره وافر ببریم.  
پی نوشتها:

- ۱- سوره عنکبوت، آیه ۲
- ۲- سوره بقره، آیه ۱۲۴
- ۳- سوره حجرات، آیه ۱۴
- ۴- سوره ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۵
- ۵- سوره بقره، آیات ۲۰، ۲۱، ۲۵، ۲۶
- ۶- سوره قافز، آیه ۱۵